

## واکاوی الگوهای ارتقای شفافیت در بخش عمومی: یک مرور حیطه‌ای

DOI: 20.1001.1.24767220.1404.15.4.3.5

حسین بوذرجمهری<sup>۱</sup>

محمد رضا ملکی<sup>۲</sup>

یاسمن هرندی<sup>۳</sup>

محمد رنجبر<sup>۴</sup>

ایروان مسعودی اصل<sup>۵</sup>

### چکیده

شفافیت در بخش عمومی برای تقویت اعتماد، پاسخ‌گویی و مشارکت مردم‌سالار ضروری است. با ارائه دسترسی آزاد به داده‌ها، دولت‌ها شهروندان را توانمند می‌سازند، خدمات عمومی را بهبود می‌بخشند و فساد را کاهش می‌دهند. ابتکاراتی مانند درگاه‌های داده باز امکان نظارت عمومی بر عملکرد دولت را فراهم و تصمیم‌گیری آگاهانه و نتایج بهتر سیاستی را تقویت می‌کنند. در این مطالعه مروری حیطه‌ای با هدف شناخت اجزا و ابعاد گوناگون الگوهای ارتقای شفافیت طراحی شده است و بر مراحل، ابزارها، کنشگران و مشکلات متمرکز است. داده‌ها از طریق جست‌وجوی نظام‌مند در شش پایگاه داده اصلی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ با نرم‌افزار مکس کیودا تحلیل شدند تا اجزای شفافیت شناسایی شوند. ده الگو (۲۰۱۲-۲۰۲۰) به سه نوع دسته‌بندی شدند: الگوهای نیازمندی‌ها، مرحله‌ای و زیست‌بومی که هر کدام به جنبه‌های خاصی از شفافیت می‌پردازند و تنوع و پیچیدگی موضوع را منعکس می‌کنند. الگوهای نیازمندی‌ها عوامل اصلی و ضروری را برای ارتقای شفافیت شناسایی می‌کنند. الگوهای مرحله‌ای بهبودهای تدریجی را پیشنهاد می‌دهند. الگوهای زیست‌بومی تعاملات ذی‌نفعان در نظام شفافیت را بررسی می‌کنند. این مطالعه با تمرکز بر اجزای اصلی چهارچوب‌های موجود و با شناسایی و تحلیل عناصر مشترک و متمایز آن‌ها درک جامع‌تری از ابعاد شفافیت ارائه می‌دهد. شفافیت در این بررسی در مقام مفهومی پیچیده، چندلایه و پویا در نظر گرفته شده که به توجه دقیق به سازوکارهای نهادی، مدیریتی و فرهنگی برای تحقق مؤثر آن نیازمند است. یافته‌های این مرور حیطه‌ای بینش‌هایی کاربردی برای سیاست‌گذاران، پژوهشگران و نهادهای عمومی فراهم می‌آورد تا با بهره‌گیری از تجربه‌ها و چهارچوب‌های موجود راهبردهای شفافیت خود را بازنگری و تقویت کنند و در مسیر تقویت حکمرانی باز، مشارکتی و پاسخ‌گو گام بردارند.

واژگان کلیدی: شفافیت، حکمرانی باز، داده‌های باز دولتی، دولت باز

تاریخ دریافت: ۳۰ دی ۱۴۰۳ تاریخ بازنگری: ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ تاریخ پذیرش: ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴

۱. دکتری سیاست‌گذاری سلامت، گروه مدیریت خدمات سلامت، دانشکده مدیریت و علوم اطلاعات سلامت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ H. Bouzarjomehri@gmail.com

۲. استاد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، گروه مدیریت خدمات سلامت، دانشکده مدیریت و علوم اطلاعات سلامت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

۳. دکتری داروسازی، گروه مدیریت مراقبت‌های سلامت، مرکز پژوهش‌های سیاست‌گذاری و مدیریت سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران.

۴. استاد سیاست‌گذاری سلامت، مرکز ملی پژوهش‌های بیمه سلامت، تهران، ایران.

۵. دانشیار مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، گروه مدیریت خدمات سلامت، دانشکده مدیریت و علوم اطلاعات سلامت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

## مقدمه

داده‌های آن‌ها می‌شود، بلکه در نهایت سبب کوچک‌تر شدن آن اداره کل نیز می‌شود (Bouzarjomehri et al., 2019). شفافیت و داده باز فواید متنوعی دارند. البته پیش‌بینی دقیق اینکه چه افراد و نهادهایی و به چه میزان از آن‌ها سود خواهند برد ناممکن است. با این حال، فوایدی که تاکنون از آن مشاهده شده است افق‌هایی را فرا روی پژوهشگران می‌گشاید. برخی حوزه‌هایی که فایده داده باز از آن‌ها متصور است (مانند تجربه‌های کشورهای مختلف در هر یک از محورهای فوق) عبارت‌اند از: الف) خودتوانمندسازی؛ ب) پاسخ‌گویی، مشارکت و کنترل مردم‌سالار؛ ج) نوآوری، خلق یا ارتقای خدمات و محصولات؛ د) کاهش فساد، افزایش کارایی و اثربخشی خدمات دولتی؛ ه) ارزیابی پیامدهای<sup>۱</sup> خط‌مشی‌های دولتی؛ و) افزایش کیفیت داده‌ها و خلق داده‌های جدید ماحصل ترکیب منابع داده‌ای و چهارچوب‌های مختلف گذشته (Henke et al., 2011; Sanaei, 2018). این منافع در نظام سلامت حتی بیشتر نیز خواهد بود، به گونه‌ای که به حفظ جان انسان‌ها و افزایش سلامت عمومی می‌انجامد (Bouzarjomehri et al., 2025; Kelsey, 2013). در حالی که مثال‌های متعددی از چگونگی تأثیر داده باز در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی در میان است، هنوز به‌روشنی مشخص نیست که چه مصادیق دیگری ممکن است در آینده ظهور یابد. ترکیب‌های جدید داده دانش و بصیرت تازه‌ای خلق می‌کند و سبب شکل‌دهی حوزه‌های کاربردی کاملاً نو می‌شود (Dietrich et al., 2009).

چگونگی ارتقای شفافیت و داده باز، مراحل، ابزارها، کنشگران، مشکلات و دیگر مسائل اجرایی آن موضوع پژوهش بسیاری از پژوهشگران بوده است و چهارچوب‌هایی برای تقویت شفافیت در بخش عمومی ارائه کرده‌اند. با این حال، جمع‌بندی مناسبی از این مطالعات، به‌خصوص برای کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران در میان نیست. از این‌رو، این مطالعه می‌کوشد از طریق مرور حیطه‌ای به این پرسش پاسخ دهد که در چهارچوب‌های موجود برای تقویت شفافیت در بخش عمومی به چه مؤلفه‌ها و ابعادی بیشتر توجه شده است.

## ۱. روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه از نوع کاربردی است که به روش مرور حیطه‌ای انجام شد. هرگاه موضوع پژوهش و مستندات مرتبط با آن بسیار گسترده یا پیچیده باشد یا تاکنون به صورت جامع بررسی نشده باشد، می‌شود از روش مرور حیطه‌ای استفاده کرد (Peters et al., 2015). در مرور حیطه‌ای از فرآیندی ساختاریافته و روش جست‌وجوی نظام‌مند استفاده می‌شود و برخلاف مرور نظام‌مند در این روش مرحله ارزشیابی کیفیت مقاله‌ها اختیاری است.

داده همواره قابلیت باز بودن داشته است، اما فقط در قالب دیجیتال است که می‌توان اطلاعات را به‌سادگی به اشتراک گذاشت و تحلیل کرد. در واقع، از اوایل دهه ۱۹۷۰ با ظهور تدریجی دنیای اینترنت، دولت‌ها توانستند داده‌های بیشتری را در قالب‌های متنوع‌تر و به‌صورت الکترونیک در اختیار شهروندان قرار دهند (Manyika et al., 2013). معمولاً از دو اتفاق در حکم سرآغاز جریان داده باز دولتی<sup>۱</sup> نام برده می‌شود: یکی راه‌اندازی درگاه داده در ایالات متحده<sup>۲</sup> (2009) و دیگری راه‌اندازی وبگاه مشابه در انگلستان<sup>۳</sup> (2010). در واقع، این دو اتفاق نتایج فرایندهایی بودند که به منظور آزاد کردن اطلاعات در اختیار حکومت و از نیمه دوم دهه ۲۰۰۰ آغاز شده بودند (Hogge, 2010). این تحولات عمدتاً از انگلستان و آمریکا آغاز شدند، اما توجه گسترده‌ای را در سایر کشورها و نهادهای بین‌المللی به‌ویژه بانک جهانی و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۴</sup> جلب کردند (Bates, 2012).

شفافیت حوزه‌های متنوعی را در بر می‌گیرد. طرح‌هایی مانند درخت مالیات فنلاند<sup>۵</sup> و پول من کجا رفت؟<sup>۶</sup> انگلستان نشان می‌دهد مالیات عمومی مردم چگونه و در چه حوزه‌هایی هزینه می‌شود. نمونه دیگری نیز هست که نشان می‌دهد چگونه داده باز سبب کشف اختلاس ۳/۲ میلیارد دلاری مالیات کارهای عام‌المنفعه در کانادا شد. وبگاه‌های متعددی همچون وبگاهی در دانمارک<sup>۷</sup> فعالیت مجلس و فرایندهای قانون‌گذاری را نمایش می‌دهد، به گونه‌ای که فرد از کارهای در حال انجام مجلس و فعالیت نمایندگان باخبر می‌شود. داده باز برای خود دولت نیز مفید است. برای نمونه، اثربخشی دولت را افزایش می‌دهد. وزارت آموزش هلند همه اسناد مرتبط با آموزش خود را تحت وب منتشر کرد و از آن زمان تعداد سؤال‌های رسیده به وزارت کاهش یافت. در نتیجه، حجم کاری و هزینه نیز کم شد. همچنین، اداره کل میراث فرهنگی هلند فعالانه اطلاعات خود را منتشر می‌کند و به منظور اثربخشی بیشتر کارهای خود با گروه‌های تاریخ‌پژوه غیرحرفه‌ای و گروه‌هایی مانند بنیاد ویکی‌مدیا<sup>۸</sup> همکاری می‌کنند (Dietrich et al., 2009). این کار نه‌فقط سبب ارتقای کیفیت

1. Open Government Data (OGD)

2. <https://data.gov/>3. <https://data.gov.uk/>

4. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

5. Finnish Tax Tree

6. Where Does My Money Go?

7. Folketsting.dk

8. Wikimedia Foundation

و منابع خاکستری<sup>۴</sup> در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ انجام شد. علاوه بر این، جست‌وجو در منابع فارسی<sup>۵</sup> و پایگاه‌های عمومی نیز انجام شد تا منابع خاکستری شناسایی شود.

### ۱-۳. انتخاب مطالعات مرتبط

مطالعات در نرم‌افزار اِندنوت<sup>۶</sup> وارد شدند و فرایند غربالگری ابتدا بر پایه عنوان اسناد و سپس بر پایه چکیده و متن کامل آن‌ها انجام شد (نمودار ۱). معیارهای ورود شامل مطالعاتی بود که چهارچوب‌هایی برای ارتقای شفافیت ارائه می‌دادند و معیارهای خروج شامل مطالعات غیرمرتبط و مطالعات غیرانگلیسی یا غیرفارسی بود. بسیاری از مطالعات غیرمرتبط در حوزه‌های تجاری، حسابداری، مالی، بانکی، سهام، حاکمیت شرکتی، افشاسازی محیط‌زیست و سایر زمینه‌ها از دامنه بررسی خارج شدند. فرایند غربالگری را دو پژوهشگر انجام دادند (نویسنده اول و دوم) و اختلافات بین نویسندگان بررسی شد. در صورت حل‌نشده ماندن اختلافات، پژوهشگر سوم (نویسنده سوم) تصمیم‌گیری نهایی را انجام می‌داد.

### ۱-۴. استخراج داده‌ها

داده‌های حاصل از مطالعات نهایی با استفاده از فرم گردآوری داده استخراج و خلاصه‌سازی شد. فرم گردآوری داده شامل مؤلفه‌های عمومی مانند نویسندگان، سال انتشار و روش مطالعه و عناوین اختصاصی مانند مؤلفه‌های الگوی ارائه‌شده و شرح الگو بود.

### ۱-۵. جمع‌آوری، خلاصه‌سازی و گزارش یافته‌ها

با توجه به تنوع الگوهای شناسایی‌شده و دشواری ارائه خلاصه نتایج، از کدگذاری مؤلفه‌های چهارچوب‌ها بهره‌گیری شد تا با جمع‌بندی چهارچوب‌های موجود چهارچوبی خلاصه، جامع و یکپارچه استخراج شود. نتایج به‌دست‌آمده در برگه گردآوری داده در نرم‌افزار مکس کیودا وارد شد و سپس کدگذاری و دسته‌بندی و مرتب شدند. در نهایت، با ارائه جمع‌بندی نهایی مطابق با هدف‌های مطالعات مرور حیطه‌ای نقشه‌ای کلی از ادبیات این حوزه ارائه شد که برای بهره‌گیری مدیران، سیاست‌گذاران و پژوهشگران این حوزه سودمند است.

از این‌رو، این روش دامنه گسترده‌تری از مطالعات را در بازه زمانی کوتاه‌تری پوشش می‌دهد. بنابراین، هرگاه سیاست‌گذار یا مدیر نیاز فوری به شواهد کلی در موضوعی خاص داشته باشد، بهره‌گیری از مرور حیطه‌ای مناسب است. همچنین، برخلاف مرور نظام‌مند که به دنبال آزمون فرضیه پژوهشی است، مرور حیطه‌ای به تولید فرضیه می‌انجامد (Arksey and O'Malley, 2005).

در مطالعه حاضر، از پروتکل شش مرحله‌ای آرکزی<sup>۱</sup> و اومالی<sup>۲</sup> (2005) در زمینه مرور حیطه‌ای استفاده شده است که عبارت‌اند از: ۱. شناسایی پرسش‌های پژوهش؛ ۲. شناسایی مطالعات مرتبط با بهره‌گیری از پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر، بررسی متون خاکستری و منابع؛ ۳. انتخاب مطالعات مرتبط؛ ۴. استخراج داده‌ها در قالب نمودار و جدول؛ ۵. جمع‌آوری، خلاصه‌سازی و گزارش یافته‌ها؛ ۶. مشاوره اختیاری با صاحب‌نظران درباره یافته‌ها. بر این مبنای، مراحل پژوهش بر اساس این اسلوب در ادامه توضیح داده شده است. همچنین، از اصول چک‌لیست گزارش مطالعات مرور حیطه‌ای پریزما<sup>۳</sup> بهره گرفته شده است و نسخه تکمیل‌شده چک‌لیست در پیوست اول درج شده است.

### ۱-۱. شناسایی پرسش پژوهش

ابتدا، پرسش اصلی پژوهش شناسایی و مؤلفه‌های بنیادین مرتبط با ارتقای شفافیت در چهارچوب‌های بخش تعیین شد. با جست‌وجوی اولیه در مطالعات مناسب‌ترین کلمه‌های کلیدی و اصطلاحات برای جست‌وجو انتخاب و راهبرد جست‌وجو تدوین شد. از این‌رو، کلمه‌های کلیدی اصلی این جست‌وجو شامل سه بازوی کلی در حوزه‌های «شفافیت»، «بخش عمومی»، «چهارچوب» و کلیدواژه‌های وابسته به آن‌ها بود. به علت هم‌پوشانی گسترده شفافیت با مفاهیم داده‌باز و دولت‌باز، الگوهایی که در این زمینه‌ها ارائه شده بودند نیز وارد شدند. راهبرد کامل جست‌وجو و تعداد اسناد به‌دست‌آمده در پیوست دو گزارش شده است.

### ۱-۲. شناسایی مطالعات مرتبط

جامعه پژوهش شامل مقاله‌ها، کتاب‌ها، گزارش‌ها و خلاصه‌های سیاستی منتشرشده به‌صورت الکترونیکی در پایگاه‌های داده معتبر و در مجله‌های معتبر بین‌المللی بود. نمونه پژوهش آن دسته از مستندات علمی معتبر منتشرشده به زبان انگلیسی و فارسی بود که دسترسی به آن‌ها امکان‌پذیر بود. به منظور شناسایی مطالعات مرتبط، جست‌وجویی جامع در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر

4. Scopus, Web of Science, ProQuest, PubMed, MEDLINE (Ovid), Google Scholar

5. SID, Magiran

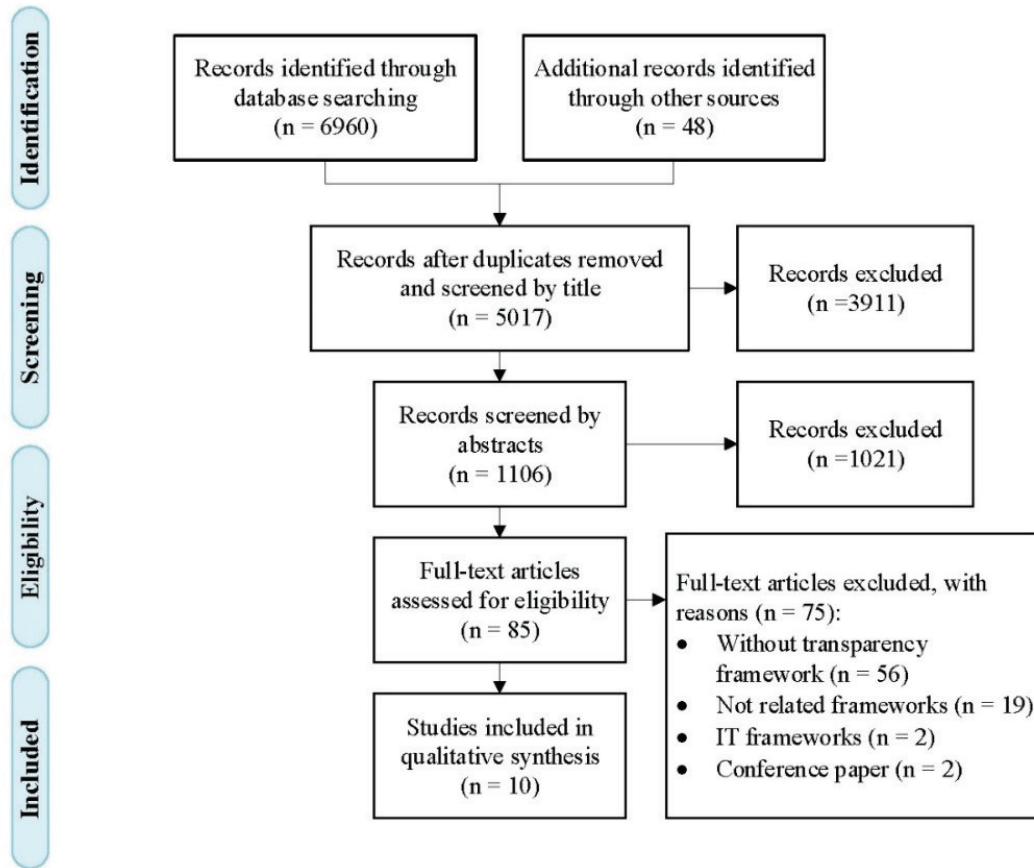
6. Endnote

1. Arksey

2. O'Malley

3. PRISMA-ScR checklist

نمودار ۱: فرایند غربالگری اسناد



## ۲. یافته‌ها

Belhiah and Bounabat, 2017; Matheus and Janssen, 2015) بود و یک اثر نیز بدون روش علمی معتبر، مناسب و چهارچوب شاخص بود (Baerwald et al., 2020). چهارچوب‌های نهایی در سه دسته تقسیم‌بندی شدند: ۱. الگوهای نیازمندی‌های شفافیت؛ ۲. الگوهای مرحله‌ای؛ ۳. الگوهای زیست‌بومی (جدول ۱). از آنجا که هر کدام از این الگوها به جنبه‌های خاصی از فرایند شفافیت اشاره می‌کردند، ترکیب کردن نتایج آن‌ها دشوار بود. بنابراین، در این بخش ابتدا نتایج هر کدام از الگوها به صورت خلاصه در دسته‌بندی بیان و مؤلفه‌های الگوها جمع‌بندی می‌شوند.

ده الگو وارد مطالعه شدند که مربوط به سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰ بوده‌اند. مطالعاتی که در مرحله آخر خارج شدند شامل مقاله‌های غیرمرتبط (Abella et al., 2019; Corbett et al., 2020; Gil-Garcia et al., 2020; Grimmelikhuijsen and Welch, 2012; Hosseini et al., 2018a; Litschka and Pellegrini, 2019; Meijer et al., 2012; Misuraca and Viscusi, 2015; Saxena, 2018; Sieber and John-son, 2015; Zeleti and Ojo, 2019) مانند الگوهایی درباره شفافیت دانشگاه‌ها (Abello-Romero et al., 2019)، سنجش میزان شفافیت (Schnackenberg et al., 2020)، شفافیت برای ورزش ملی (Kral and Cuskelly, 2018) و شفافیت در الگوهای تصمیم‌گیری (Sampson et al., 2019) بودند. دو عنوان چهارچوب جدیدی ارائه نکردند (Sanaei et al., 2019; Schnell, 2018)، چهار عنوان هم درباره الگوهای فنی داده‌باز و حکومت باز بودند (Ismael et al., 2021; Mo and Fan, 2018; Petrušić et al., 2016; Retnowati et al., 2019)، دو اثر شامل یک الگوی کم‌اهمیت و یک مقاله کنفرانس

جدول ۱: دسته‌بندی چهارچوب‌های ارتقای شفافیت در بخش عمومی

دسته	عنوان	نویسندگان	سال
الگوهای نیازمندی‌های شفافیت	Exploring Transparency: A New Framework for Responsible Business Management	Parris et al.	2016
	Developing and Testing an Integrative Framework for Open Government Adoption in Local Governments	Grimmelikhuisen and Feeney	2017
	Four Reference Models for Transparency Requirements in Information Systems	Hosseini et al.	2018b
	Modeling of Open Government Data for Public Sector Organizations Using the Potential Theories and Determinants: A Systematic Review	Khurshid et al.	2020
الگوهای مرحله‌ای	An Open Government Maturity Model for Social Media-Based Public Engagement	Lee and Kwak	2012
	A Community-Driven Open Data Lifecycle Model Based on Literature and Practice	Van Veenstra and Van Den Broek	2015
	Reengineering the Open Government Concept: An Empirical Support for a Proposed Model	Abu-Shanab	2015
الگوهای زیست‌بومی	Development Paths towards Open Government - An Empirical Analysis Among Heritage Institutions	Estermann	2018
	Innovation with Open Data: Essential Elements of Open Data Ecosystems	Zuiderwijk et al.	2014
	Planning and Designing Open Government Data Programs: An Ecosystem Approach	Dawes et al.	2016

## ۱-۲. الگوهای نیازمندی‌های شفافیت

چهار الگو در این دسته قرار گرفتند. به طور کلی، در این الگوها نیازهای ارتقای شفافیت و عوامل تعیین‌کننده آن مطرح شده است. اولین چهارچوب مربوط به پاریس و همکاران در سال ۲۰۱۶ است (نمودار ۲). این چهارچوب برای کسب‌وکارها طراحی شده است، اما برای بخش عمومی نیز کاربرد دارد. در این الگو چهار بخش اصلی تعریف شده است. بخش اول شرایطی را بیان می‌کند که در آن ارتقای شفافیت ضروری است، مانند نبود اعتماد ذی‌نفعان، شهرت نامناسب صنعت، تصویر نامطلوب برند، تمایز نداشتن کسب‌وکار و نیاز به ارتقای ارزش شرکت برای اعتلای اخلاقی. در بخش بعدی چهارچوب اصول شیوه ارتقای شفافیت

معرفی می‌شود. در گام نخست، اطلاعاتی که باید شفاف شوند توضیح داده می‌شود. این اطلاعات عبارت‌اند از: اطلاعات محصولات، انگیزه‌ها، پشت‌صحنه تصمیم‌ها، هدف‌ها، تعارض منافع، منابع و زنجیره تأمین و شاخص‌های مربوط به سوددهی، مردم و سیاره زمین. در بخش دوم، اصول انتشار اطلاعات شرح داده می‌شود. اصولی مانند فهم‌پذیر بودن، صحیح، دقیق و کامل بودن اطلاعات، به‌روز بودن، دسترسی آسان در قالب مناسب، بدون سوگیری و سنجش‌پذیر بودن اطلاعات. در ادامه، منافع شفافیت برای ذی‌نفعان مختلف صنعت از جمله کارمندان، مشتریان، سازمان‌ها و جوامع توضیح داده می‌شود.

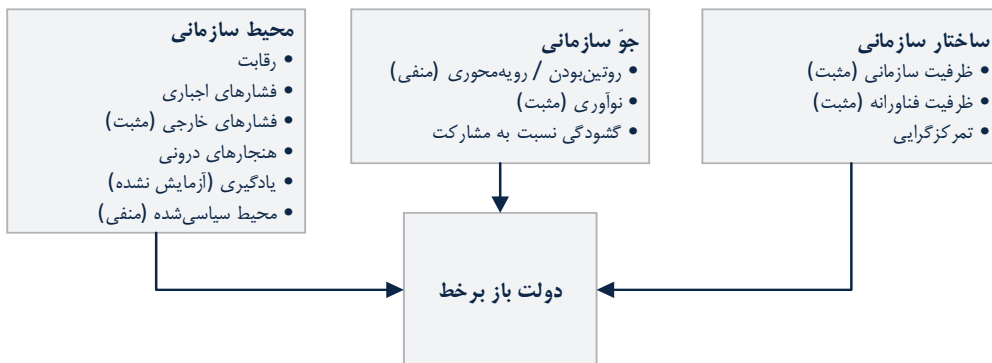
نمودار ۲: چهارچوب شفافیت پاریس و همکاران (2016)



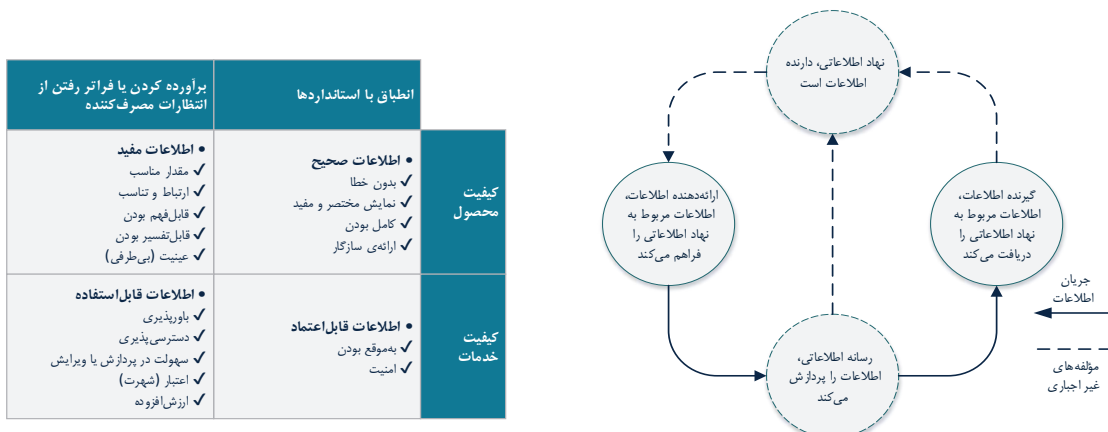
بودن رابطه معکوس و خلاقیت رابطه مستقیم با شفافیت داشته‌اند. همچنین، گشودگی برای مشارکت با شفافیت بدون رابطه بوده است. هرچند با دسترسی و مشارکت آنلاین رابطه مثبت نشان داده است. در نهایت، در بُعد محیط سازمانی، رقابت، فشار اجباری، هنجارهای داخلی بدون رابطه بوده‌اند و فشار خارجی رابطه مستقیم و محیط سیاست‌زده رابطه عکس داشته است.

چهارچوب بعدی مربوط به گرمیلیخویسن و فینی در سال ۲۰۱۷ است (نمودار ۳). در این چهارچوب دوازده عامل در سه بُعد ساختار، جو و محیط سازمانی برای ارتقای شفافیت در دولت‌های محلی سنجیده می‌شود. در بُعد ساختار، ظرفیت فناوری و سازمانی با ارتقای شفافیت رابطه مستقیم داشته‌اند و تمرکز سازمانی بدون رابطه است. در بُعد جو سازمانی، روزمره

نمودار ۳: الگوی اجرای دولت باز گرمیلیخویسن و فینی (2017)



نمودار ۴: الگوی مرجع اول (سمت راست) و چهارم (سمت چپ) (Hosseini et al., 2018b)



ذی‌نفعان، نیاز به شفافیت، چشم‌انداز، حساسیت عملکردها، ساختار سازمانی، اعتماد، قصد سازمان، آگاهی، دانش و درک، نظارت، ارزشیابی و پایداری، اندازه سازمان، اولویت‌بندی، وابستگی به مبتکران خارجی، فساد؛ ۳. لایه محیط (فشار انطباق، قانون‌گذاری، سیاست و مقررات، تعهد رهبری سیاسی، کنترل اطلاعات از طریق دولت، فرهنگ مشارکت، مشارکت مدنی و خلق ارزش عمومی، توسعه فناوری دیجیتال، تولید ناخالص داخلی، اندازه جمعیت، تمرکز، شاخص جهانی نوآوری، مشارکت در انتخابات، سطح تحصیلات شهروندان)؛ ۴. لایه منافع، موانع، خطرها، ضررها؛ ۵. لایه تجارت.

حسینی<sup>۱</sup> و همکاران (2018) چهار الگو مرجع ساده برای تبیین شفافیت ارائه کرده‌اند (نمودار ۴). الگوی نخست، یعنی چرخه عوامل شفافیت (دارنده اطلاعات، منتشرکننده اطلاعات، رسانه و گیرنده اطلاعات) بر جریان اطلاعات بین ذی‌نفعان مرتبط متمرکز است. الگوی دوم، مثلث عمق شفافیت، بر مؤلفه‌های شکل‌دهی شفافیت معنادار متمرکز و لزوم وجود سیاست، فرایند، داده و فضای تنظیمگری را برجسته می‌کند. الگوی سوم، طیف دستیابی به شفافیت، مراحل رسیدن به شفافیت کاربردی را تبیین و موجود بودن، بیان و ارائه، دسترسی، ادراک، مفهوم بودن، پذیرش و قابلیت اقدام اطلاعات را بیان می‌کند. الگوی چهارم، کیفیت اطلاعات در شفافیت، چهار شاخص را تشریح می‌کند: ۱. دقیق بودن (بدون خطا، مختصر، کامل و پایدار بودن)؛ ۲. قابل اعتماد بودن (به‌موقع بودن و امنیت)؛ ۳. مفید بودن (مقدار مناسب، مرتبط، مفهوم، تفسیرپذیر و عینی بودن)؛ ۴. کاربردی بودن اطلاعات (باورپذیری، دسترسی، سهولت کاربردپذیری، شهرت و ارزش افزوده).

در الگوی چهارم این دسته، خورشید<sup>۲</sup> و همکاران (2020) یک الگوی مفهومی از پیش‌بینی‌کننده‌های<sup>۳</sup> اجرای پیاده‌سازی داده باز دولتی<sup>۴</sup> ارائه کرده‌اند. در این الگو عوامل گوناگون در پنج لایه مختلف دسته‌بندی شده‌اند (نمودار ۵): ۱. لایه فناوری (کیفیت داده‌ها، امنیت و حریم خصوصی، منافع نسبی، قابلیت همکاری فنی، فرمت داده، سازگاری، اصول OGD، آزمایش‌پذیری)؛ ۲. لایه سازمان (ظرفیت دیجیتال‌سازی سازمان، منابع مالی، فرهنگ سازمانی، حمایت مدیران عالی، پاداش‌های مالی، همکاری با

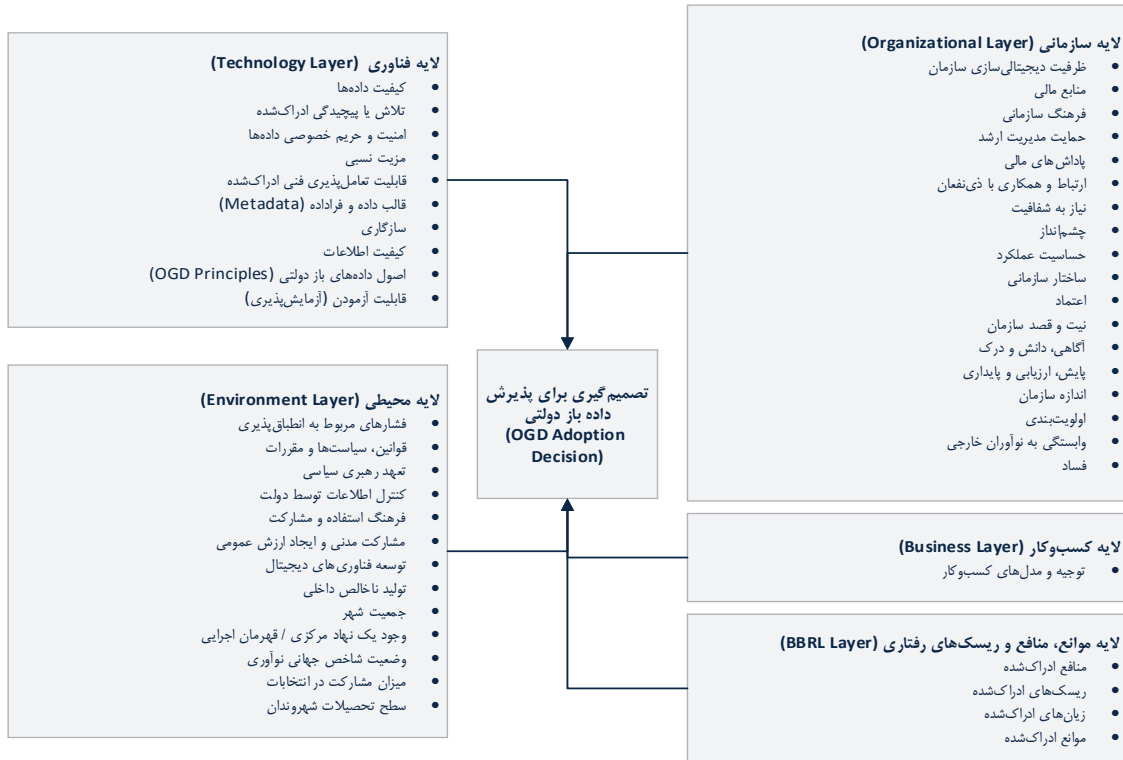
1. Hosseini

2. Khurshid

3. Determinants

4. Implementation of Open Government Data (OGD)

نمودار ۵: الگوی پیش‌بینی‌کننده‌های داده‌باز دولتی (Khurshid et al., 2020)

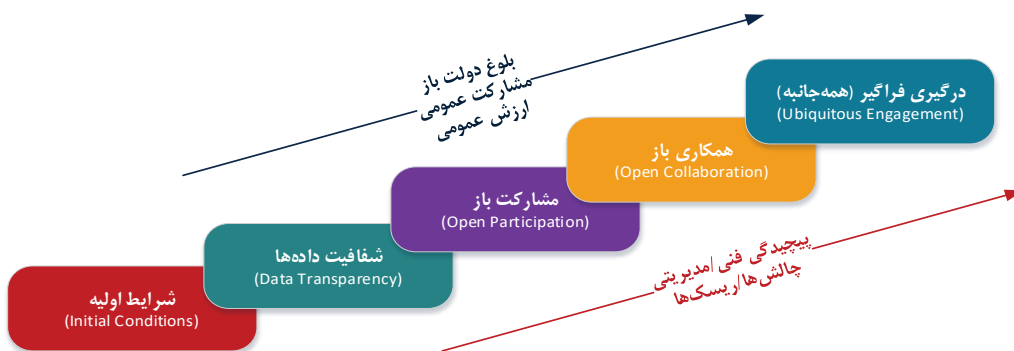


۲-۲. الگوهای مرحله‌ای

شفافیت داده شرط و راهبرد مهمی برای مشارکت و همکاری باز است. اجرای هم‌زمان چند سطح بلوغ دولت باز اغلب مشکلات زیادی در زمینه منابع، بودجه، زمان، فناوری، تغییر فرهنگ و پذیرش عموم ایجاد می‌کند. تمرکز بر هر سطح در یک زمان به دولت امکان می‌دهد به طور مؤثر زیرساخت و قابلیت‌هایی را برای دولت باز بدون تحمیل بار بیش از اندازه به کارکنان دولت یا ایجاد سردرگمی برای عموم فراهم کند. مراحل این الگو عبارت‌اند از: شرایط اولیه، شفافیت داده، مشارکت آزاد، همکاری آزاد، مشارکت همه‌جانبه.

در این بخش، چهار الگوی مرحله‌ای شناسایی شده بررسی می‌شود که به‌جای تمرکز بر مؤلفه‌ها و عوامل شفافیت، مسیر گام‌به‌گامی برای ارتقای آن ارائه می‌کنند. نخستین الگو، الگوی بلوغ دولت باز لی و کواک (2012) است (نمودار ۶). یکی از اصول مهم این الگو آن است که سازمان‌های دولتی باید مراحل بلوغ را از سطح پایین‌تر به سطوح بالاتر طی کنند، نه اینکه همه سطوح را هم‌زمان اجرا کنند یا سطحی را نادیده بگیرند و به سطح دیگری پرش کنند. برای نمونه، این الگو پیشنهاد می‌کند که

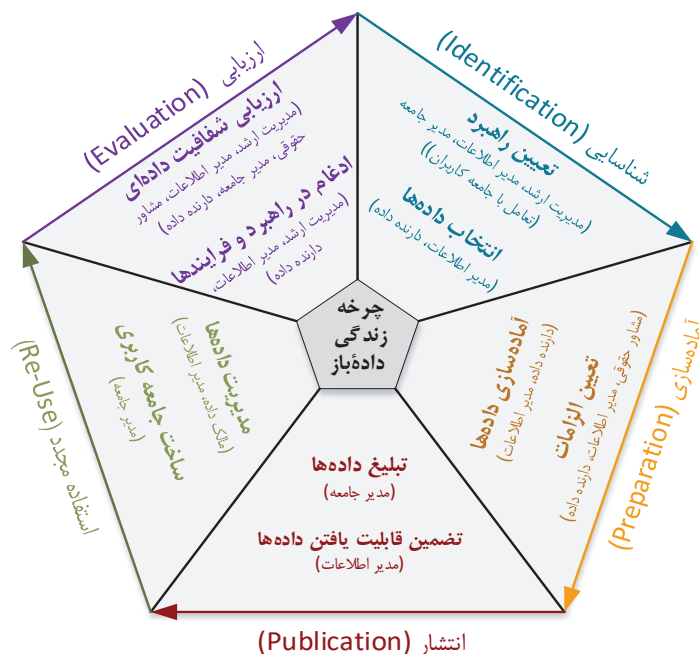
نمودار ۶: الگوی بلوغ دولت باز (Lee and Kwak, 2012)



برای موفقیت هر مرحله مشارکت داشته باشند: مدیریت ارشد، مدیر اطلاعات، مشاور حقوقی، مدیر جامعه و دارنده داده. این الگو بیان می‌کند الگوهای چرخه عمر داده باز بیشتر بر جنبه‌های فنی تمرکز دارند. با این حال، استفاده از داده‌ها به‌شدت وابسته به درگیری کاربران (بالقوه) داده‌هاست. در فاز شناسایی، تشکیل جامعه صاحبان داده در اتخاذ تصمیم بهینه درباره اینکه کدام داده‌ها باید باز شود بسیار مفید است. مشارکت کاربران و سایر ذی‌نفعان خارجی در اوایل فرایند احتمال استفاده از داده‌ها را افزایش می‌دهد. بنابراین، مشارکت ذی‌نفعان و تشکیل جامعه کاربران باید جایگاه مرکزی‌تری در الگوی چرخه عمر داشته باشند.

در الگوی بعدی، ون ونسترا و وندن بروک (۲۰۱۵) الگوی چرخه عمر داده‌های باز را ارائه کرده‌اند (نمودار ۷). در حالی که سایر الگوهای مرحله‌ای مراحل عمیق شفافیت و باز کردن دولت را ترسیم می‌کنند، این الگو چرخه داخل سازمانی را مبتنی بر چرخه‌های متداول مدیریت از برنامه‌ریزی تا اجرا و ارزیابی ارائه می‌کند. این مدل پنج فاز را شامل می‌شود: ۱. شناسایی (تدوین راهبرد و انتخاب داده‌ها)؛ ۲. آماده‌سازی (تهیه داده‌ها و نیازمندی‌ها)؛ ۳. انتشار (اطلاع‌رسانی و اطمینان از سهولت یافتن داده‌ها برای مخاطبان)؛ ۴. استفاده مجدد (مدیریت داده‌ها و مدیریت جامعه کاربران)؛ ۵. ارزیابی (تدوین پیشنهادهای اصلاحی و گنجاندن آن‌ها در راهبرد و فرایند). علاوه بر این، در این فرایند مشاهده شده است پنج ذی‌نفع درون‌سازمانی باید

نمودار ۷: الگوی چرخه زندگی داده‌ها (Van Veenstra and Van Den Broek, 2015)



مسئولیت و پاسخ‌گویی (شامل حریم خصوصی، امنیت، افشا و استانداردسازی) که مبتنی بر وضعیت شفاف مرحله اول است. پاسخ‌گویی در اینجا به این معناست که اطلاعات خصوصی، امن، استاندارد باشند و انتشار آن‌ها با توجه به حدود اختیارات افشا انجام شود. سپس، مرحله تکاملی طبیعی بعدی رابطه همکاری است (شامل ارتباط، مشارکت، بازخورد و تصمیم‌گیری به‌وسیله دولت). مرحله چهارم، یعنی توانمندسازی شهروندان که شامل تصمیم‌گیری و اجرای مبتنی بر بازخورد شهروندان است.

ابوشنب<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) الگوی بازطراحی شده‌ای از الگوی معمول روند دولت باز اواما (۲۰۰۹) پیشنهاد کرده است (نمودار ۸). الگوی روندی دولت باز شامل سه مرحله می‌شود: شفافیت، مشارکت و همکاری همه‌جانبه. در الگوی ابوشنب توضیح داده می‌شود اگرچه محققان دیدگاه سه مرحله‌ای اواما را پذیرفته‌اند، برخی جزئیات در این الگو نادیده گرفته می‌شود. از این رو، بازطراحی‌ای از الگوی روندی با چهار بُعد پیشنهاد داده شد. در بازطراحی، ابتدا دو مرحله اصلی بنیادی مطرح است: مرحله نخست، شفافیت (شامل کیفیت و دسترسی اطلاعات) و مرحله دوم،

1. Abu-Shanab

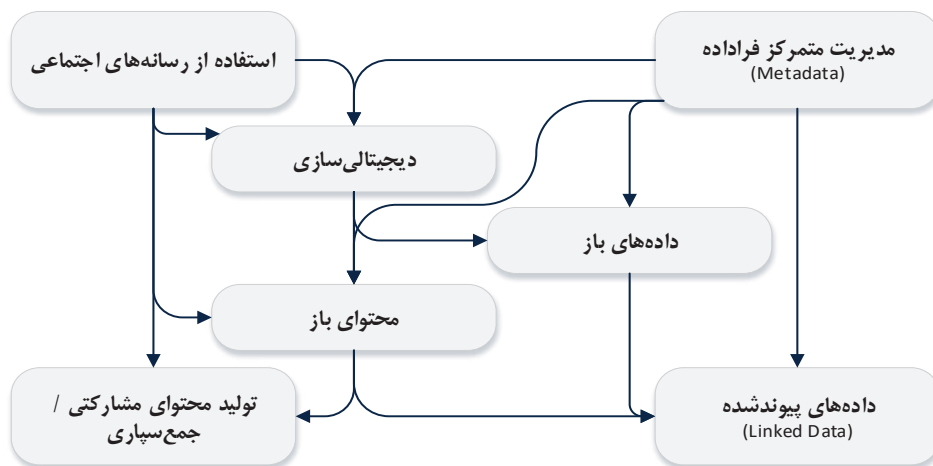
نمودار ۸: چهارچوب بازطراحی شده دولت باز اوشنب (2015)

توانمندسازی (Empowerment)	همکاری (Collaboration)	پاسخ‌گویی (Accountability)	شفافیت (Transparency)
<ul style="list-style-type: none"> <li>تصمیم‌گیری (توسط شهروندان)</li> <li>اجرای تصمیمات (بازخورد مؤثر)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>ارتباطات</li> <li>مشارکت</li> <li>بازخورد</li> <li>تصمیم‌گیری (توسط دولت)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>حریم خصوصی</li> <li>امنیت</li> <li>افشاکاری / شفاف‌سازی</li> <li>استانداردسازی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>کیفیت اطلاعات</li> <li>دسترسی‌پذیری اطلاعات</li> </ul>

در نهایت، استرنان (2018) با رویکردی انتقادی به الگوهای مرحله‌ای، مراحل ارتقای شفافیت را الگوسازی می‌کند (نمودار ۹). در این مطالعه، رابطه تقدم و تأخر مراحل مختلف شامل استفاده از رسانه‌های اجتماعی، دیجیتال‌سازی، آبرداة مدیریت‌شده مرکزی، داده‌باز، محتوای باز، جمع‌سپاری، محتوای مشارکتی و داده‌های پیوندشده باروش‌های آماری الگوسازی شده است. این الگو نشان می‌دهد وجود آبرداة‌های مدیریت‌شده مرکزی عملکرد مهمی در اجرای داده‌باز و همچنین شروع فرایندهای دیجیتال‌سازی، تولید محتوای باز و خلق داده‌های پیوندشده دارد. همچنین، استفاده از رسانه‌های اجتماعی مقدم بر دیجیتال‌سازی است. علاوه بر این، استفاده از رسانه‌های اجتماعی اثر مهمی در شروع فرایندهای پذیرش داده‌باز، محتوای باز، جمع‌سپاری و تولید محتوای مشارکتی می‌گذارد. دیجیتال‌سازی به طور عجیبی در جایگاه پیش‌نیاز محتوای باز ظاهر می‌شود. در عین حال، اجرای کامل داده‌باز را تسهیل می‌کند و این امر به نوبه خود اجرای کامل داده‌های پیوندشده را آسان‌تر می‌کند. در نهایت، مؤسسه‌هایی که محتوای باز را اجرا کرده‌اند، احتمالاً

جمع‌سپاری، تولید محتوای مشارکتی و داده‌های پیوندشده را به طور کامل می‌پذیرند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت مؤسسه‌ها به جای پیروی از یک مسیر واحد، چندین مسیر به‌هم‌پیوسته را دنبال می‌کنند. هیچ تفاوت چشمگیری میان مؤسسه‌های دولتی و غیرانتفاعی خصوصی در زمینه اتخاذ شیوه‌های مختلف یافت نشد. بر پایه این نتیجه، ماهیت یک‌بعدی الگوی اجرای دولت باز لی و کواک (2012) پشتیبانی نمی‌شود. مهم‌تر از همه، فرض لی و کواک مبنی بر لزوم باز کردن داده‌ها قبل از استفاده گسترده از رسانه‌های اجتماعی در این الگوی تجربی صادق نیست. در مقابل، اجرای داده‌های باز پیش‌نیاز اجرای پایدار داده‌های پیوندشده است. بنابراین، این الگو از اعتبار الگوی پنج‌ستاره تیم برنرزی در زمینه بلوغ داده‌باز پشتیبانی می‌کند (الگوی پنج‌ستاره برنرزی پنج مرحله از باز کردن داده‌ها را تشریح کرده است: انتشار اینترنتی داده‌ها، ماشین‌خوان شدن آن‌ها، باز و غیراختصاصی شدن قالب داده‌ها، نشان‌دار شدن داده‌ها با کمک آدرس یکتا و در نهایت پیوندشده شدن داده‌هاست).

نمودار ۹: الگوی ساده‌شده مسیر دولت باز استرنان (2018)



## نمودار ۱۰: چهارچوب مؤلفه‌های ضروری زیست‌بوم دولت باز زایدرویک و همکاران (2014)



## ۲-۳. الگوهای زیست‌بومی

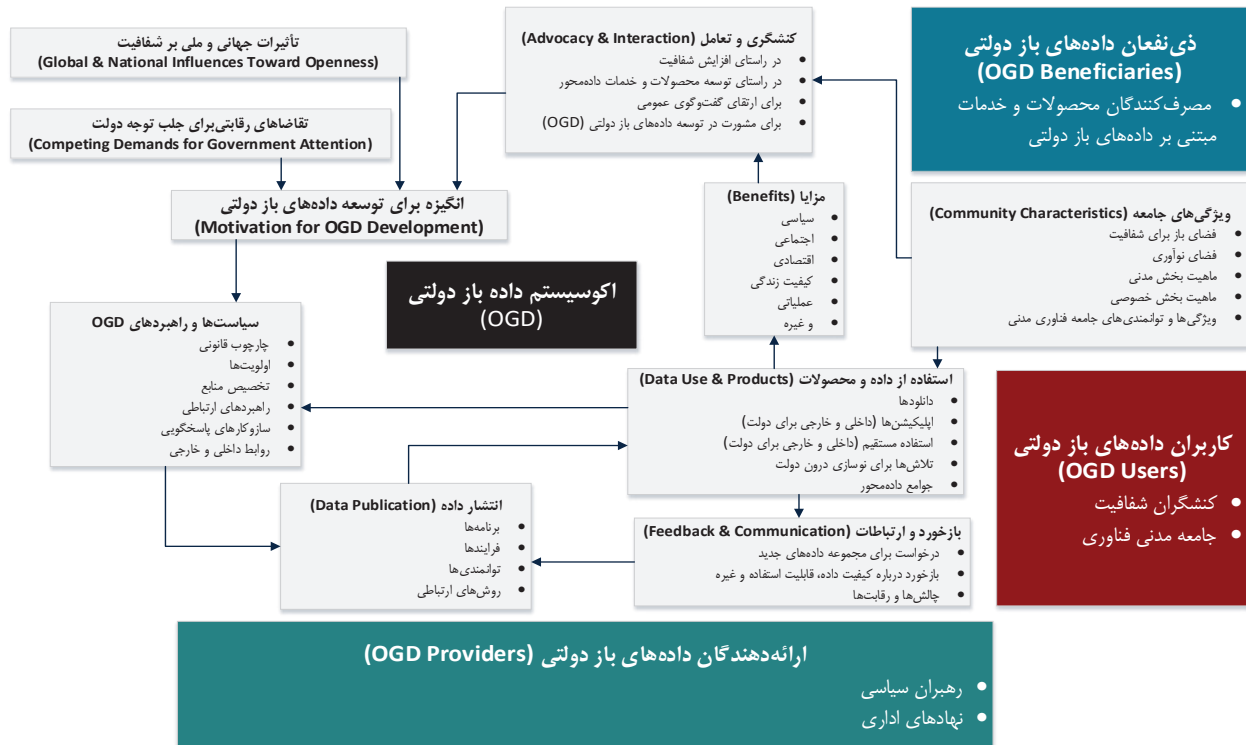
درخواست داده، بحث‌گاه‌ها، رابط‌های دسترسی خودکار به داده، مجوزهای استفاده از داده، نرم‌افزارهایی مانند اکسل، ویکی‌ها، وبلاگ‌ها و سامانه‌های رتبه‌بندی کیفیت). الگوی زیست‌بومی مبتنی بر عوامل، زیرساخت‌ها و ابزارها سناریوهایی برای تولید، انتشار و استفاده مجدد کاربران از داده ترسیم می‌کند که فرایند شفافیت و روابط این عوامل را نشان می‌دهد.

سومین دسته الگوهای زیست‌بومی‌اند که بیشتر عوامل اصلی فرایند ارتقای شفافیت را تشریح می‌کنند. اولین الگو مربوط به زایدرویک و همکاران (2014) است (نمودار ۱۰). این الگو چهار عنصر اصلی زیست‌بوم و اجزای آن را تبیین می‌کند: ۱. تولیدکننده داده و سطح زمینه (شامل سیاست داده‌های دولتی و چهارچوب‌های قانونی باز، فرهنگ، فناوری، تأمین مالی، سازمان و منابع)؛ ۲. سازمان‌های دولتی که داده‌ها و آبراده‌های خام دولتی را در اختیار عموم قرار می‌دهند و وظایفی مانند ایجاد یا گردآوری داده، ذخیره‌سازی، بررسی مجموعه داده، مدیریت و حذف داده‌های حساس، انتشار در اینترنت، پاسخ به درخواست‌های داده، بحث درباره مجموعه داده‌ها و تحلیل نحوه استفاده از درگاه داده را بر عهده دارند؛ ۳. کاربران داده (شامل شهروندان و کسب‌وکارهایی که با ابزارهای گوناگون به داده‌ها دسترسی دارند و آن‌ها را تحلیل، جست‌وجو، مشاهده، دانلود، پاک‌سازی، غنی‌سازی، ترکیب و پیوند، تصویرسازی، به‌کارگیری، امتیازدهی و منتشر می‌کنند)؛ ۴. ابزارها و سرویس‌ها، مانند درگاه‌های داده، برنامه‌ها، سامانه‌های ذخیره‌سازی و مدیریت داده، سامانه‌های

1. Application Programming Interface (API)

2. World Wide Web Consortium (W3C), Creative Commons Licenses

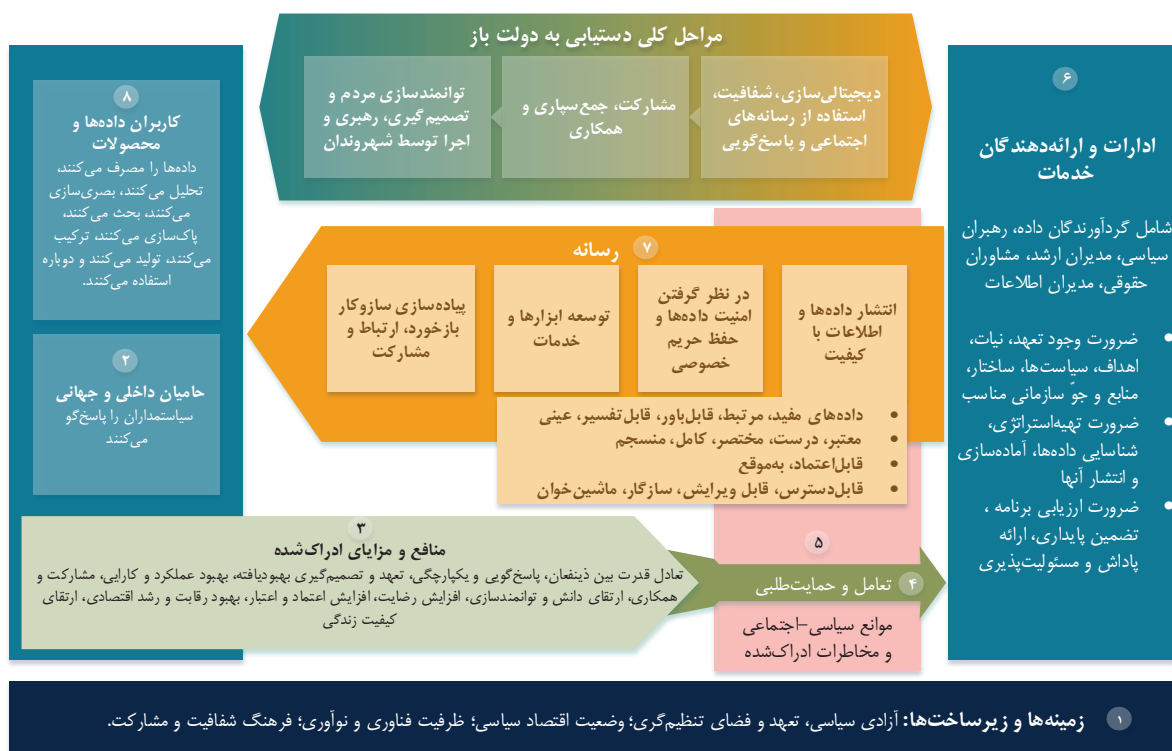
نمودار ۱۱: الگوی زیست‌بومی دولت باز داوز و همکاران (2016)



فرایندها، قابلیت‌ها و روش‌های ارتباطی)، استفاده از داده‌ها و محصولات (دانلودها، نرم‌افزارهای کاربردی، استفاده مستقیم از داده، تلاش برای نوسازی در داخل دولت و جوامع داده) و بازخورد و ارتباط (درخواست برای مجموعه داده‌های جدید، بازخورد درباره کیفیت داده، کاربردی بودن و غیره و مشکلات و مسابقات) شکل می‌گیرد.

در الگوی بعدی، داوز<sup>۱</sup> و همکاران (2016) یک الگوی زیست‌بوم برای دولت باز ارائه کرده‌اند که در آن سه گروه از ذی‌نفعان اصلی مشخص شده‌اند: ۱. ارائه‌دهندگان داده (رهبران سیاسی و سازمان‌های اداری)؛ ۲. کاربران داده (حامیان شفافیت و جامعه فناوری مدنی)؛ ۳. ذی‌نفعان داده (مصرف‌کنندگان محصولات و خدمات داده) (نمودار ۱۱). همچنین، عوامل محرک تشکیل دولت باز، نتایج دولت باز و وظیفه هر کدام از ذی‌نفعان و عوامل اصلی را در یک چرخه ترسیم کرده‌اند. در این الگوی چرخه‌ای، مجموعه‌ای از انگیزه‌ها برای توسعه دولت باز از چهار دسته شکل می‌گیرند: ۱. ویژگی‌های جامعه (جو مناسب برای باز بودن و نوآوری، ماهیت بخش مدنی و بخش خصوصی، ویژگی‌ها و قابلیت‌های جامعه فناوری مدنی)؛ ۲. فواید دولت باز (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، کیفیت زندگی، اجرایی و غیره)؛ ۳. حمایت‌طلبی و تعامل (برای باز بودن بیشتر، محصولات و خدمات داده‌محور، تقویت گفتمان عمومی، مشاوره درباره توسعه دولت باز)؛ ۴. تأثیرات جهانی و ملی که مسیر را به سوی باز بودن و رقابت هدایت می‌کند. در نتیجه، مراحل بعدی که شامل سیاست‌ها و راهبردهای دولت باز (چهارچوب حقوقی، اولویت‌ها، تخصیص منابع، راهبردهای ارتباطی و سازوکارهای پاسخ‌گویی روابط داخلی و خارجی)، انتشار داده‌ها (طرح‌ها،

## نمودار ۱۲: جمع‌بندی چهارچوب‌های شفافیت بخش عمومی (محقق ساخته)



۱ زمینه‌ها و زیرساخت‌ها: آزادی سیاسی، تعهد و فضای تنظیم‌گری؛ وضعیت اقتصاد سیاسی؛ ظرفیت فناوری و نوآوری؛ فرهنگ شفافیت و مشارکت.

## ۳. جمع‌بندی چهارچوب‌های شفافیت

طریق سازمان‌ها می‌شوند. سپس، سازمان‌های عمومی با توجه به شرایط، سیاست‌ها، تعهدات، ساختار، جو، برنامه و راهبرد خود اقدام به انتشار اطلاعات از طریق رسانه مناسب می‌کنند. فرایند انتشار اطلاعات در چهار مرحله انجام می‌شود: انتشار داده‌ها و اطلاعات با کیفیت، در نظر گرفتن محرمانگی، توسعه ابزارها و سرویس‌ها و ایجاد سازوکارهای بازخورد و مشارکت عمومی. با دسترسی عمومی به این اطلاعات، چرخه بازخورد، مشارکت و کنشگری بیشتر استفاده‌کنندگان و حامیان شفافیت شکل می‌گیرد و مطالبه برای شفافیت افزایش می‌یابد. در نهایت، در بالای این چهارچوب، طیف کلی مراحل دستیابی به حکومت باز به ترتیب ترسیم شده است: ۱. شفافیت؛ ۲. مشارکت عمومی؛ ۳. قدرت یافتن شهروندان برای تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و به دست گرفتن سکان امور. این روند چشم‌انداز حرکت به سوی مردم‌سالاری مستقیم را نشان می‌دهد.

با توجه به تنوع چهارچوب‌های یافت‌شده، ارائه خلاصه دقیق دشوار بود. از این رو، با ترکیب الگوها چهارچوبی جامع در نمودار ۱۲ ارائه شده است. مطابق این نمودار، مرور الگوها و چهارچوب‌های موجود نشان می‌دهد ارتقای شفافیت در بخش عمومی مستلزم در نظر گرفتن مجموعه‌ای از عوامل ساختاری و زمینه‌ای است. همچنین، بیشتر چهارچوب‌ها بر ضرورت وجود بسترهای مناسب سیاسی، اقتصادی، فناورانه و فرهنگی به‌منزله پیش‌نیاز تحقق مؤثر شفافیت تأکید می‌کنند. عناصر زمینه‌ای جایگاهی تأثیرگذار در ظرفیت‌سازی نهادی و تسهیل پیاده‌سازی اصول شفافیت دارند، به گونه‌ای که درک عمیق آن‌ها برای بهره‌برداری بهینه از چهارچوب‌های موجود ضروری است. بنای ارتقای شفافیت بر این زیرساخت‌ها استوار است. پس از فراهم شدن این بسترها، ذی‌نفعان و حامیان اصلی شفافیت با توجه به منافع متصور اقدام به حمایت‌طلبی و درخواست ارتقای شفافیت می‌کنند. در حالی که در بسیاری از الگوها سازمان‌های عمومی را آغازگر شفافیت معرفی می‌کنند، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد جایگاه آغازین با کنشگران شفافیت است و سازمان‌های دولتی در پاسخ به این مطالبه عمومی اقدام به باز کردن اطلاعات می‌کنند. در این مسیر، موانع سیاسی-اجتماعی و خطرهای احتمالی هم مانع موفقیت کنشگران شفافیت و هم مانع انتشار اطلاعات از

## ۴. بحث

در این مطالعه، ده الگوی مختلف که مربوط به سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰ بررسی شده‌اند. این الگوها در سه دسته اصلی قرار گرفته‌اند: الگوهای نیازمندی‌های شفافیت، الگوهای مرحله‌ای و الگوهای زیست‌بوم. هر دسته به جنبه‌های خاصی از فرایند شفافیت می‌پردازد و تنوع و پیچیدگی موضوع شفافیت را نشان می‌دهد.

الگوهای نیازمندی‌های شفافیت به عوامل اصلی ارتقای شفافیت می‌پردازند و شرایط نیاز به شفافیت و نیز اصول و منافع آن را برای ذی‌نفعان مختلف تشریح می‌کنند (Grimmelikhuijzen and Feeney, 2017; Hosseini et al., 2018b; Khurshid et al., 2020; Parris et al., 2016). برای نمونه، الگوی پاریس و همکاران (2016) شرایطی مانند بی‌اعتمادی ذی‌نفعان و شهرت نامناسب صنعت را به‌منزله عوامل ایجادکننده نیاز به ارتقای شفافیت معرفی می‌کند.

الگوهای مرحله‌ای به ترتیب به مراحل می‌پردازند که باید برای رسیدن به شفافیت طی شوند. این الگوها مراحل دستیابی به شفافیت را از وجود اطلاعات تا قابلیت اقدام داشتن آن‌ها را توصیف می‌کنند. الگوهای مرحله‌ای بر این اصل استوارند که شفافیت باید از طریق رویکردی تدریجی و مرحله‌ای ارتقا یابد. همچنین، تأکید می‌کنند پیشرفت باید گام‌به‌گام و با توجه به ظرفیت‌های سازمانی و فناوری باشد تا از بروز مشکلات ناشی از تغییرات ناگهانی و بیش‌ازحد جلوگیری شود (Abu-Shanab, 2015; Estermann, 2018; Lee and Kwak, 2012; Van Veenstra and Van Den Broek, 2015). با این حال، الگوی مرحله‌ای انتقادی استرنان (2018) نشان می‌دهد مؤسسه‌ها به جای پیروی از یک مسیر واحد، چندین مسیر به‌هم‌پیوسته را دنبال می‌کنند.

الگوهای زیست‌بوم به روابط و تعاملات میان عناصر مختلف و چگونگی تأثیرگذاری عوامل موجود در لایه‌های متفاوت در شفافیت می‌پردازند. این الگوها مانند الگوی زایدرویک و داو، بر تعامل میان عوامل مختلف فرایند شفافیت تمرکز دارند. آن‌ها نشان می‌دهند تولیدکنندگان داده، سازمان‌های دولتی، کاربران داده و ابزارها و خدمات مرتبط چگونه در یک زیست‌بوم همکاری می‌کنند تا داده‌ها به صورت باز و دسترس‌پذیر منتشر شوند و جامعه آن‌ها را استفاده کند. همچنین، این الگوها بر اهمیت مشارکت ذی‌نفعان و جامعه در فرایند شفافیت تأکید می‌کنند تا اطمینان حاصل شود داده‌های باز بیشترین ارزش را برای جامعه ایجاد می‌کنند (Dawes et al., 2016; Zuiderwijk et al., 2014).

خلاصه یافته‌های الگوهای موردبحث نشان می‌دهد ارتقای شفافیت در بخش عمومی نیازمند رویکردی چندلایه است.

چهارچوب جمع‌بندی‌شده عناصر مختلفی از الگوها را در بر می‌گیرد و بر نیاز به زیرساخت‌های سیاسی، اقتصادی، فناورانه و فرهنگی محکم تأکید می‌کند. فعالان شفافیت جایگاه محوری در آغاز فرایند شفافیت دارند و سازمان‌های دولتی به درخواست‌های عمومی پاسخ می‌دهند. انتشار اطلاعات فرایندی ساختاریافته است که شامل انتشار داده‌های باکیفیت، حفظ محرمانگی، توسعه ابزارها و خدمات و ایجاد سازوکارهای بازخورد می‌شود. این روند یک چرخه بازخورد و مشارکت عمومی ایجاد می‌کند که دسترسی عمومی به اطلاعات، مشارکت و حمایت از شفافیت را تقویت می‌کند.

چهارچوب ترکیبی ارائه‌شده در این مطالعه را می‌توان به‌منزله راهنمایی برای تدوین برنامه‌های ملی ارتقای شفافیت به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه به کار گرفت. این چهارچوب با در نظر گرفتن مؤلفه‌های فرهنگی، نهادی و فنی ابزار مفیدی برای ارزیابی آمادگی سازمان‌ها و سیاست‌گذاری داده‌ها است. از آنجا که بیشتر چهارچوب‌های بررسی‌شده در بستر کشورهای توسعه‌یافته شکل گرفته‌اند، در تحقیقات آینده می‌توان با استفاده از روش‌های تجربی و کیفی این الگوها را برای شرایط بومی کشورهای درحال توسعه از جمله ایران تطبیق داد و ابزارهایی برای پیاده‌سازی تدریجی آن‌ها طراحی کرد.

## نتیجه‌گیری

شفافیت مفهومی چندبعدی است که برای فهم آن درک عمیق از نیازها، مراحل و زیست‌بوم‌های مرتبط ضروری است. نتایج این مطالعه بر اهمیت رویکردی مرحله‌ای و تعاملی در ارتقای شفافیت تأکید می‌کند. همچنین، الگوهای مرحله‌ای بر اهمیت پیشرفت تدریجی و مدیریت تغییر تأکید می‌کنند، در حالی که الگوهای زیست‌بوم بر اهمیت همکاری و تعامل بین عاملان مختلف تأکید دارند. تحقق شفافیت نیازمند هماهنگی میان بخش‌های مختلف است تا داده‌ها به شیوه‌ای به کار روند که بیشترین فایده را برای جامعه ایجاد کنند. به طور کلی، این الگوها نشان می‌دهند شفافیت نباید هدف نهایی در نظر گرفته شود، بلکه باید به‌منزله فرایندی مداوم و تکاملی دیده شود که به تلاش‌های مستمر نیاز دارد. نتایج این مطالعه به سازمان‌ها و دولت‌ها کمک می‌کند تا راهبردهای مؤثرتری برای ارتقای شفافیت اتخاذ کنند. هدف نهایی دستیابی به مردم‌سالاری مستقیم است که در آن شفافیت به مشارکت عمومی منجر می‌شود و شهروندان در فرایندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری قدرتمند می‌شوند. این جمع‌بندی نه‌فقط اهمیت شفافیت را به‌منزله عنصری اساسی برجسته می‌کند، بلکه مراحل را نیز نشان می‌دهد که به تحقق دولت باز و مشارکتی کمک می‌کنند.

## قوت‌ها و محدودیت‌ها

## منابع

- این مطالعه با بهره‌گیری از روش مرور حیطه‌ای نظام‌مند و تحلیل دقیق الگوهای موجود چهارچوبی جامع برای ارتقای شفافیت بخش عمومی استخراج کرده است که اجزای ساختاری، اجرایی و فرهنگی را یکپارچه در بر می‌گیرد. تنوع الگوهای بررسی‌شده (نیازمندی‌محور، مرحله‌ای، زیست‌بومی) امکان تحلیل از چند منظر را فراهم و به درک بهتر پویایی‌های درونی شفافیت کمک می‌کند.
- یکی از محدودیت‌های این مطالعه تعداد نسبتاً کم منابع نهایی (ده مقاله) بوده است. با این حال، به علت رعایت اصول مرور حیطه‌ای نظام‌مند تمام منابعی که معیارهای ورود در تحقیق را داشتند مطالعه شدند. کمبود منابع نهایی ناشی از کمبود مطالعات متمرکز و چهارچوب‌محور در حوزه شفافیت در سطح بین‌المللی، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه بوده است، نه ضعف روش‌شناسی. در بخش یافته‌ها علت‌های کنار گذاشتن منابع غیر مرتبط تشریح شد تا شفافیت علمی رعایت شود.
- Abella, A., Ortiz-de-Urbina-Criado, M., and De-Pablos-Herederro, C. (2019). "The process of Open Data Publication and Reuse". *Journal of the Association for Information Science and Technology*, 70(3), pp. 296-300. doi:10.1002/asi.24116.
- Abello-Romero, J. B., Mancilla, C., Ganga-Contreras, F., and Estay-Sepúlveda, J. G. (2019). "Determinants of Information Disclosure in Latin American Universities for Good Corporate Governance". *Contaduría y Administración*, 64(4). doi:10.22201/FCA.24488410E.2019.2449.
- Abu-Shanab, E. A. (2015). "Reengineering the Open Government Concept: An Empirical Support for a Proposed Model". *Government Information Quarterly*, 32(4), pp. 453-463. doi:10.1016/j.giq.2015.07.002.
- Arksey, H., and O'Malley, L. (2005). "Scoping Studies: Towards a Methodological Framework". *International journal of social research methodology*, 8(1), pp. 19-32.
- Baerwald, M. R., Davis, B. E., Lesmeister, S., Mahardja, B., Pisor, R., Rinde, J., and Tobias, V. (2020). "An Open Data Framework for the San Francisco Estuary". *San Francisco Estuary and Watershed Science*, 18(2), 1. doi:http://dx.doi.org/10.15447/sfews.2020v18iss2art1.
- Bates, J. (2012). "This Is What Modern Deregulation Looks Like: Co-Optation and Contestation in the Shaping of the UK's Open Government Data Initiative". *The Journal of Community Informatics*, 8(2), pp. 1-20.
- Belhiah, M., and Bounabat, B. (2017). "A User-Centered Model for Assessing and Improving Open Government Data Quality C3". *Proceedings of the 22nd MIT International Conference on Information Quality, ICIQ 2017*.
- Bouzarjomehri, H., Maleki, M., Sajjadi-Khasraghi, J., and Herandi, Y. (2025). "Applications and Consequences of Transparency in the Health Systems: A Systematic Scoping Review". *Health Technology Assessment in Action*, 9(2).
- Bouzarjomehri, H., Rajaie, S., Sanaci, M.,

- and Herandi, Y. (2019). "Transparency, E-Participation, and Open Government New Methods for Government Rightsizing and Agility". *Journal of Science and Technology Policy Letters*. Available in: [http://stpl.ristip.sharif.ir/article\\_21709.html?lang=en](http://stpl.ristip.sharif.ir/article_21709.html?lang=en). {In Persian}
- Coglianesi, C. (2009). "The Transparency President? The Obama Administration and Open Government Governance". *An International Journal of Policy, Administration, and Institutions*, 22(4), pp. 529-544.
- Corbett, J., Templier, M., Townsend, H., and Takeda, H. (2020). "Integrating Across Sustainability, Political, and Administrative Spheres: A Longitudinal Study of Actors' Engagement in Open Data Ecosystems in Three Canadian Cities". *Communications of the Association for Information Systems*, 47(1), pp. 596-627. doi:10.17705/1CAIS.04728.
- Dawes, S. S., Vidiyasa, L., and Parkhimovich, O. (2016). "Planning and Designing Open Government Data Programs: An Ecosystem Approach". *Government Information Quarterly*, 33(1), pp. 15-27. doi:10.1016/j.giq.2016.01.003.
- Dietrich, D., Gray, J., McNamara, T., Poikola, A., Pollock, P., Tait, J., and Zijlstra, T. (2009). *Open Data Handbook*. In: Open Knowledge International.
- Estermann, B. (2018). "Development Paths towards Open Government – An Empirical Analysis among Heritage Institutions". *Government Information Quarterly*, 35(4), pp. 599-612. doi:10.1016/j.giq.2018.10.005.
- Gil-Garcia, J. R., Gasco-Hernandez, M., and Pardo, T. A. (2020). "Beyond Transparency, Participation, and Collaboration? A Reflection on the Dimensions of Open Government". *Public Performance and Management Review*, 43(3), pp. 483-502. doi:10.1080/15309576.2020.1734726.
- Grimmelikhuijsen, S. G., and Feeney, M. K. (2017). "Developing and Testing an Integrative Framework for Open Government Adoption in Local Governments". *Public Administration Review*, 77(4), pp. 579-590. doi:10.1111/puar.12689.
- Grimmelikhuijsen, S. G., and Welch, E. W. (2012). "Developing and Testing a Theoretical Framework for Computer-Mediated Transparency of Local Governments". *Public Administration Review*, 72(4), pp. 562-571. doi:10.1111/j.1540-6210.2011.02532.x.
- Henke, N., Kelsey, T., and Whately, H. (2011). "Transparency — the Most Powerful Driver of Health Care Improvement? McKinsey's Health Systems and Services Practice. Available in: <https://goo.gl/5LXq4q>.
- Hogge, B. (2010). *Open Data Study*. In a Report Commissioned by the Transparency and Accountability Initiative.
- Hosseini, M., Shahri, A., Phalp, K., and Ali, R. (2018a). "Engineering Transparency Requirements: A Modelling and Analysis Framework". *Information Systems*, 74, pp. 3-22. doi:10.1016/j.is.2017.12.008.
- Hosseini, M., Shahri, A., Phalp, K., and Ali, R. (2018b). "Four Reference Models for Transparency Requirements in Information Systems". *Requirements Engineering*, 23(2), pp. 251-275. doi:10.1007/s00766-017-0265-y.
- Ismael, S. N., Mohd, O., and Rahim, Y. A. (2021). "Assessing Data Sharing's Model Fitness Towards Open Data by Using Pooled CFAA". *International Journal of Advanced Computer Science and Applications*, 12(5), pp. 564-573. doi:10.14569/IJACSA.2021.0120568.
- Kelsey, T. (2013). "Transparency in the NHS Not Only Saves Lives - It Is a Fundamental Human Right". Available in: <https://www.theguardian.com/society/2013/mar/12/nhs-transparency-open-data-initiative>.
- Khurshid, M., Zakaria, N., Rashid, A., Ahmad, M., Arfeen, M., and FaisalShehzad, H. (2020). "Modeling of Open Government Data for Public Sector Organizations Using the Potential Theories and Determinants—A Systematic Review". *Informatics*, 7(3), 24. doi:http://dx.doi.org/10.3390/informatics7030024.
- Král, P., and Cuskelly, G. (2018). "A Model of Transparency: Determinants and Implications of Transparency for National Sport Organizations".

- European Sport Management Quarterly*, 18(2), pp. 237-262. doi:10.1080/16184742.2017.1376340.
- Lee, G., and Kwak, Y. H. (2012). "An Open Government Maturity Model for Social Media-Based Public Engagement". *Government Information Quarterly*, 29(4), pp. 492-503. doi:10.1016/j.giq.2012.06.001.
- Litschka, M., and Pellegrini, T. (2019). "Considerations on The Governance of Open Data - An Institutional Economic Perspective". *International Journal of Intellectual Property Management*, 9(3-4), pp. 247-263. doi:10.1504/IJIPM.2019.103028.
- Manyika, J., Chui, M., Groves, P., Farrell, D., Van Kuiken, S., and Doshi, E. A. (2013). *Open Data: Unlocking Innovation and Performance with Liquid Information*. McKinsey Global Institute.
- Matheus, R., and Janssen, M. (2015). "Transparency Dimensions of Big and Open Linked Data: Transparency as Being Synonymous with Accountability and Openness C3" - Lecture Notes in Computer Science (including subseries Lecture Notes in Artificial Intelligence and Lecture Notes in Bioinformatics). In W. Lamersdorf, J. Hidders, M. Janssen, B. Klievink, A. Zuiderwijk, M. Mantymaki, and B. van Loenen (Eds.), (Vol. 9373, pp. 236-246): Springer Verlag.
- Meijer, A. J., Curtin, D., and Hillebrandt, M. (2012). "Open Government: Connecting Vision and Voice". *International Review of Administrative Sciences*, 78(1), pp. 10-29. doi:10.1177/0020852311429533.
- Misuraca, G., and Viscusi, G. (2015). "Is Open Data Enough? E-Governance Challenges for Open Government". In *Standards and Standardization: Concepts, Methodologies, Tools, and Applications*, pp. 1132-1148: IGI Global.
- Mo, C. W., and Fan, B. B. (2018). "DOP: A Data Opening Framework and Application". In 2018 4th Annual International Conference on Network and Information Systems for Computers, pp. 237-243.
- Obama, B. (2009). "Memorandum For The Heads Of Executive Departments And Agencies". Amemorandum issued by the White House on Transparency and Open Government. Available in: [http://www.whitehouse.gov/the\\_press\\_office/Transparency\\_and\\_Open\\_Government](http://www.whitehouse.gov/the_press_office/Transparency_and_Open_Government)
- Parris, D. L., Dapko, J. L., Arnold, R. W., and Arnold, D. (2016). "Exploring Transparency: A New Framework for Responsible Business Management". *Management Decision*, 54(1), pp. 222-247. doi:10.1108/MD-07-2015-0279.
- Peters, M. D., Godfrey, C. M., Khalil, H., McInerney, P., Parker, D., and Soares, C. B. (2015). "Guidance for Conducting Systematic Scoping Reviews". *JBI Evidence Implementation*, 13(3), pp. 141-146.
- Petrušić, D., Segedinac, M., and Konjović, Z. (2016). "Semantic Modelling and Ontology Integration of the Open Government Systems". *Tehnicki Vjesnik*, 23(6), pp. 1631-1641. doi:10.17559/TV-20150514115428.
- Retnowati, R., Manongga, D., and Sunarto, H. (2019). "Development of Sustainability Systems for Open Government Data (OGD) Management by Combining the Shel Model and Soft Systems Methodology Analysis". *Journal of Theoretical and Applied Information Technology*, 97(12), pp. 3227-3244.
- Sampson, C. J., Arnold, R., Bryan, S., Clarke, P., Ekins, S., Hatswell, A., and Wrightson, T. (2019). "Transparency in Decision Modelling: What, Why, Who and How?" *Pharmacoeconomics*, 37(11), pp. 1355-1369. doi:10.1007/s40273-019-00819-z.
- Sanaei, M. (2018). *Providing a Policy Framework for Open Government Data in the Field of Science and Technology (Case study: Ministry of Science, Research and Technology)*. (Thesis for the degree of Ph.D. in Science and Technology Policy). Tehran University, Tehran. {In Persian}
- Sanaei, M., Taslimi, M. S., AbdolhoseinZadeh, M., and Khani, M. H. (2019). "A study and analysis of the open Government Data Ecosystem Models". *Iranian Journal of Information Processing Management*, 34(2), pp. 609-636. {In Persian}
- Saxena, S. (2018). "Asymmetric Open Government Data (OGD) Framework in India". *Digital Policy, Regulation and Governance*, 20(5), pp. 434-448. doi:10.1108/DPRG-11-2017-0059.

Schnackenberg, A. K., Tomlinson, E., and Coen, C. (2020). "The Dimensional Structure of Transparency: A Construct Validation of Transparency as Disclosure, Clarity, and Accuracy in Organizations". *Human Relations*. doi:10.1177/0018726720933317.

Schnell, S. (2018). "From Information to Predictability: Transparency on the Path to Democratic Governance. The Case of Romania". *International Review of Administrative Sciences*, 84(4), pp. 692-710. doi:10.1177/0020852316648756.

Sieber, R. E., and Johnson, P. A. (2015). "Civic Open Data at a Crossroads: Dominant Models and Current Challenges". *Government Information Quarterly*, 32(3), pp. 308-315. doi:10.1016/j.giq.2015.05.003.

Van Veenstra, A. F., and Van Den Broek, T. (2015). *A Community-Driven Open Data Lifecycle Model Based on Literature and Practice. In Case Studies in E-Government 2.0: Changing Citizen Relationships*, pp. 183-198: Springer International Publishing.

Zeleti, F. A., and Ojo, A. (2019). *Agile Mechanisms for Open Data Process Innovation in Public Sector Organizations: Towards Theory Building C3 - ACM*. International Conference Proceeding Series.

Zuiderwijk, A., Janssen, M., and Davis, C. (2014). "Innovation with Open Data: Essential Elements of Open Data Ecosystems". *Information Polity*, 19(1,2), pp. 17-33. doi:10.3233/IP-140329.

United States Government. (2009). Data.gov. <https://data.gov>

UK Government. (2010). Data.gov.uk. <https://data.gov.uk>

State Treasury of Finland. (n.d.). Finnish Tax Tree. <https://www.treasury.fi>

UK Cabinet Office. (n.d.). Where Does My Money Go? <https://www.whereDoesMyMoneyGo.org>



## Exploring Models for Enhancing Transparency in the Public Sector: A Scoping Review

Hossein Bouzarjomehri<sup>1</sup>  
Mohammadreza Maleki<sup>2</sup>  
Yasaman Herandi<sup>3</sup>  
Mohammad Ranjbar<sup>4</sup>  
Iravan Masoudi-Asl<sup>5</sup>

### Abstract

Transparency in government is essential for building trust, accountability, and democratic participation. By providing open access to data, governments can empower citizens, improve public services, and reduce corruption. Initiatives like open data portals enable public scrutiny of government actions, fostering informed decision-making and better policy outcomes. Transparency also drives innovation and ensures alignment with public interests. This scoping review examines strategies to enhance public sector transparency, focusing on stages, tools, actors, and challenges. Using a systematic search across six major databases from 2000 to 2024, data were analyzed with MaxQDA software to identify transparency components. Ten models (2012–2020) were categorized into three types: requirements, stage, and ecosystem models, each addressing transparency's multifaceted nature, reflecting the diversity and complexity of the subject. Requirements models identify key factors essential for transparency. Stage models advocate for gradual, phased improvements. Ecosystem models examine stakeholder interactions within transparency systems. This study focuses on the key components of existing frameworks, identifying and analyzing their common and distinctive elements to provide a more comprehensive understanding of the dimensions of transparency. In this review, transparency is conceptualized as a complex, multilayered, and dynamic phenomenon that requires careful consideration of institutional, managerial, and cultural mechanisms for its effective implementation. The findings of this scoping review offer practical insights for public institutions to reassess and enhance their transparency strategies by drawing on the experiences embedded in existing frameworks, thereby advancing toward more open, participatory, and accountable governance.

**Keywords:** Transparency, Open Governance, Open Government Data, Open Government Frameworks, Multi-Stakeholder Partnerships

---

1. PhD in Health Policy, Department of Health Services Management, School of Health Management and Information Sciences, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran; H.Bouzarjomehri@gmail.com

2. Professor of Healthcare Administration, Department of Health Services Management, School of Health Management and Information Sciences, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

3. Pharm.D., Department of Health Care Management, Health Policy and Management Research Center, School of Public Health, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran.

4. Professor of Health Policy, National Center for Health Insurance Research, Tehran, Iran.

5. Associate Professor of Healthcare Administration, Department of Health Services Management, School of Health Management and Information Sciences, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

## نقش‌نامه و فرم تعارض منافع

### الف) نقش‌نامه

پدیدآورندگان	حسین بوذرجمهری	محمد رضا ملکی	یاسمن هرنندی	محمد رنجبر	ایروان مسعودی اصل
نقش	نویسنده مسئول	نویسنده	نویسنده	نویسنده	نویسنده
نگارش متن	نگارش متن اصلی بر اساس نظر داوران	-	-	-	-
ویرایش متن و ...	-	پاسخ‌دهی به کامنت‌ها	-	ویرایش و پاسخ‌دهی به کامنت‌ها	پاسخ‌دهی به کامنت‌ها
طراحی / مفهوم‌پردازی	-	طراح / مفهوم‌پردازی	-	-	-
گردآوری داده	-	-	غربالگری مطالعات و گردآوری داده‌ها	-	-
تحلیل / تفسیر داده	-	تحلیل و تفسیر کیفی داده‌ها	-	-	-
سایر نقش‌ها	طراحی الگو	-	-	طراحی و مدیریت پروژه	طراحی و مدیریت پروژه

### ب) اعلام تعارض منافع

یا غیررسمی، اشتغال، مالکیت سهام، و دریافت حق اختراع، و البته محدود به این موارد نیست. منظور از رابطه و انتفاع غیرمالی عبارت است از روابط شخصی، خانوادگی یا حرفه‌ای، اندیشه‌ای یا باورمندانه، و غیره.

چنانچه هر یک از نویسندگان تعارض منافع داشته باشد (و یا نداشته باشد) در فرم زیر تصریح و اعلام خواهد کرد:

مثال: نویسنده الف هیچ‌گونه تعارض منافع ندارد. نویسنده ب از شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است گزینت دریافت کرده است. نویسندگان ج و د در سازمان فلان که موضوع تحقیق بوده است سخنرانی افتخاری داشته‌اند و در شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است سهامدارند.

در جریان انتشار مقالات علمی تعارض منافع به این معنی است که نویسنده یا نویسندگان، داوران و یا حتی سردبیران مجلات دارای ارتباطات شخصی و یا اقتصادی می‌باشند که ممکن است به طور ناعادلانه‌ای بر تصمیم‌گیری آن‌ها در چاپ یک مقاله تأثیرگذار باشد. تعارض منافع به خودی خود مشکلی ندارد بلکه عدم اظهار آن است که مسئله‌ساز می‌شود.

بدین وسیله نویسندگان اعلام می‌کنند که رابطه مالی یا غیرمالی با سازمان، نهاد یا اشخاصی که موضوع یا مفاد این تحقیق هستند ندارند، اعم از رابطه و انتساب رسمی یا غیررسمی. منظور از رابطه و انتفاع مالی از جمله عبارت است از دریافت پژوهانه، گزینت آموزشی، ایراد سخنرانی، عضویت سازمانی، افتخاری

اظهار (عدم) تعارض منافع: با سلام و احترام؛ به استحضار می‌رساند نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تعارض منافع ندارد.

نویسنده مسئول: حسین بوذرجمهری

تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۱۲